داستان
دوم

مترجم: عبدالحمید گل مهرآبادی



نوح

عَلَيْهِ السَّلام









تصویر ابو عبد الرحمن الكردي

سرشناسه	گل مهر آبادی ، عبدالحمید .
عنوان	: مجموعه داستانهای پیامبران .
پدید آور	: عبد الحمید گل مهر آبادی .
مشخصات نشر	: تربت جام ، آوای اسلام ، ۱۳۸۹ .
مشخصات ظاهری	: ۱۲ ص
موضوع	:اسلام - پیامبران .
رده بندی کنگره	:۹۹۰۴۱ ژ ۸۸ ش
رده بندی دیوبی	: ۲۹۷/۱۵۶
شابک دوره	۳-۲۳-۵۹۹۳-۶۰۰-۹۷۸.

مجموعه داستانهای پیامبران

حضرت نوح علیه السلام

مترجم: عبدالحمید گل مهرآبادی

صفحه آرا: عبداللطیف شعبانی

ناشر: آوای اسلام تربت جام

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹

شمارگان: ۵۲۰۰

چاپ: دقت

قطع: خشتی

قیمت: ۷۵۰ تومان

شابک: ۱ـ ۱۴ ـ ۵۹۹۳ ـ ۶۰۰ ـ ۹۷۸

مرکز پخش: تربت جام، انتشارات آوای اسلام

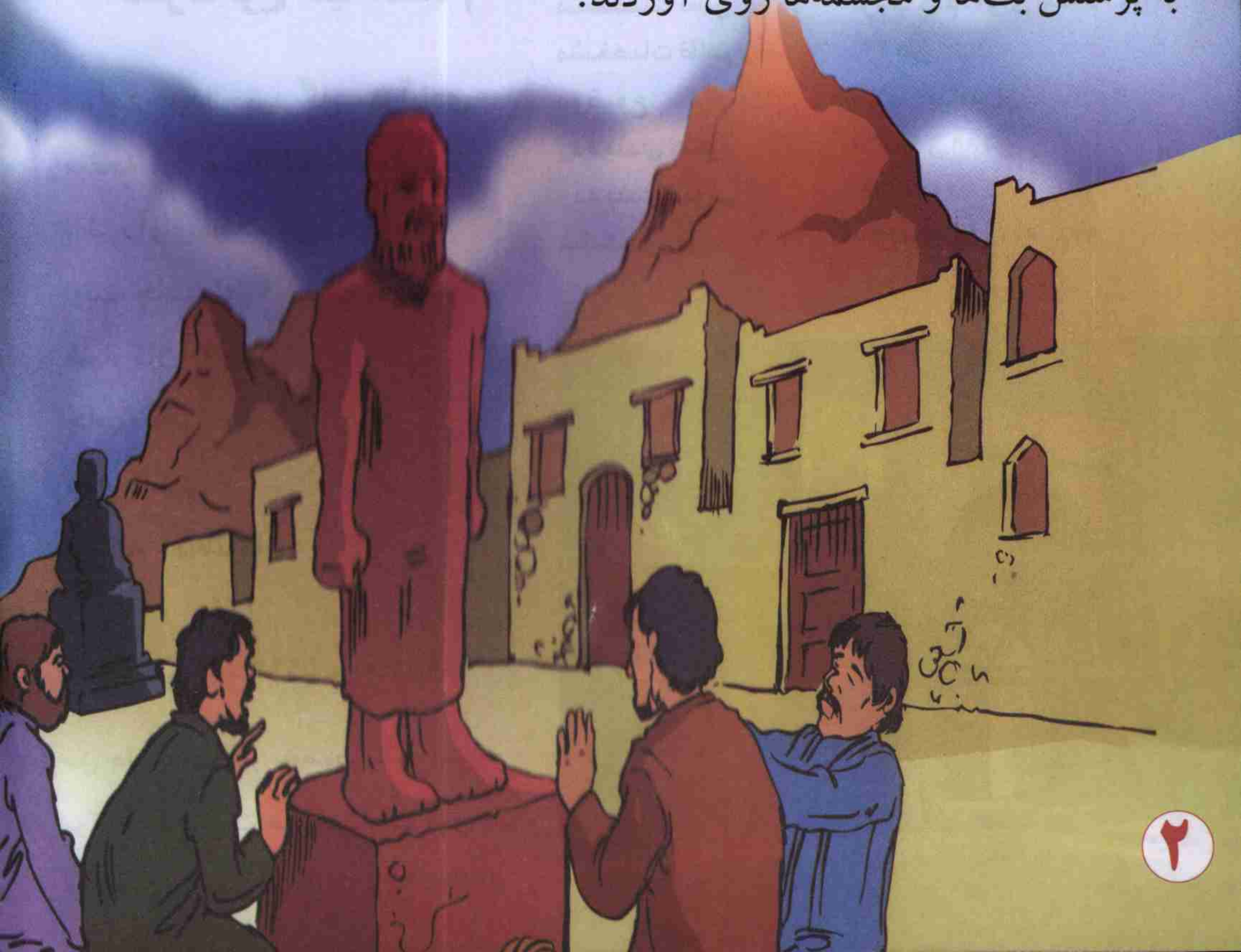
خواف، کتابفروشی شمس ۰۵۳۲۴۲۲۳۴۸۰



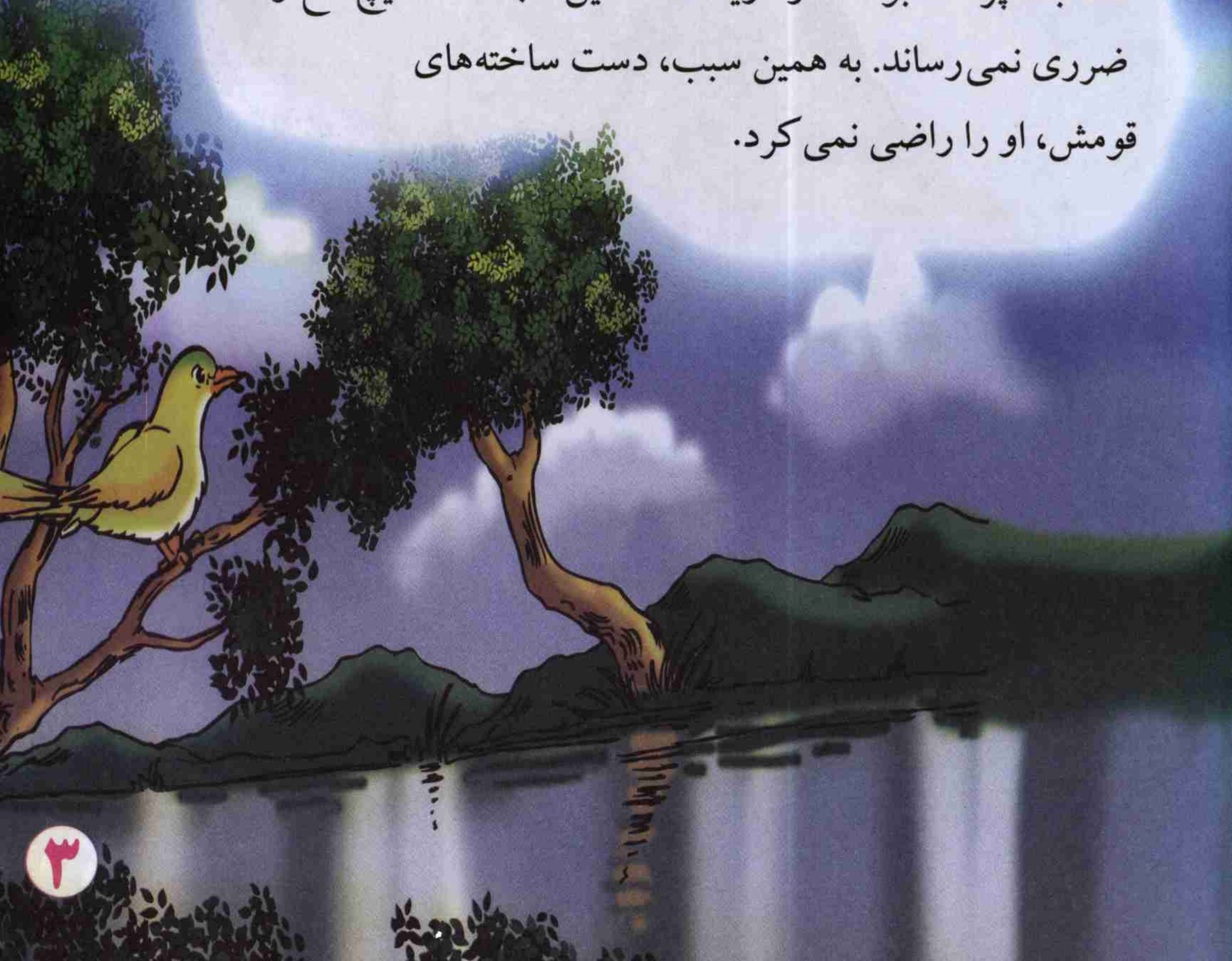
نمای داخلی حوزه علمیه احناف خواف

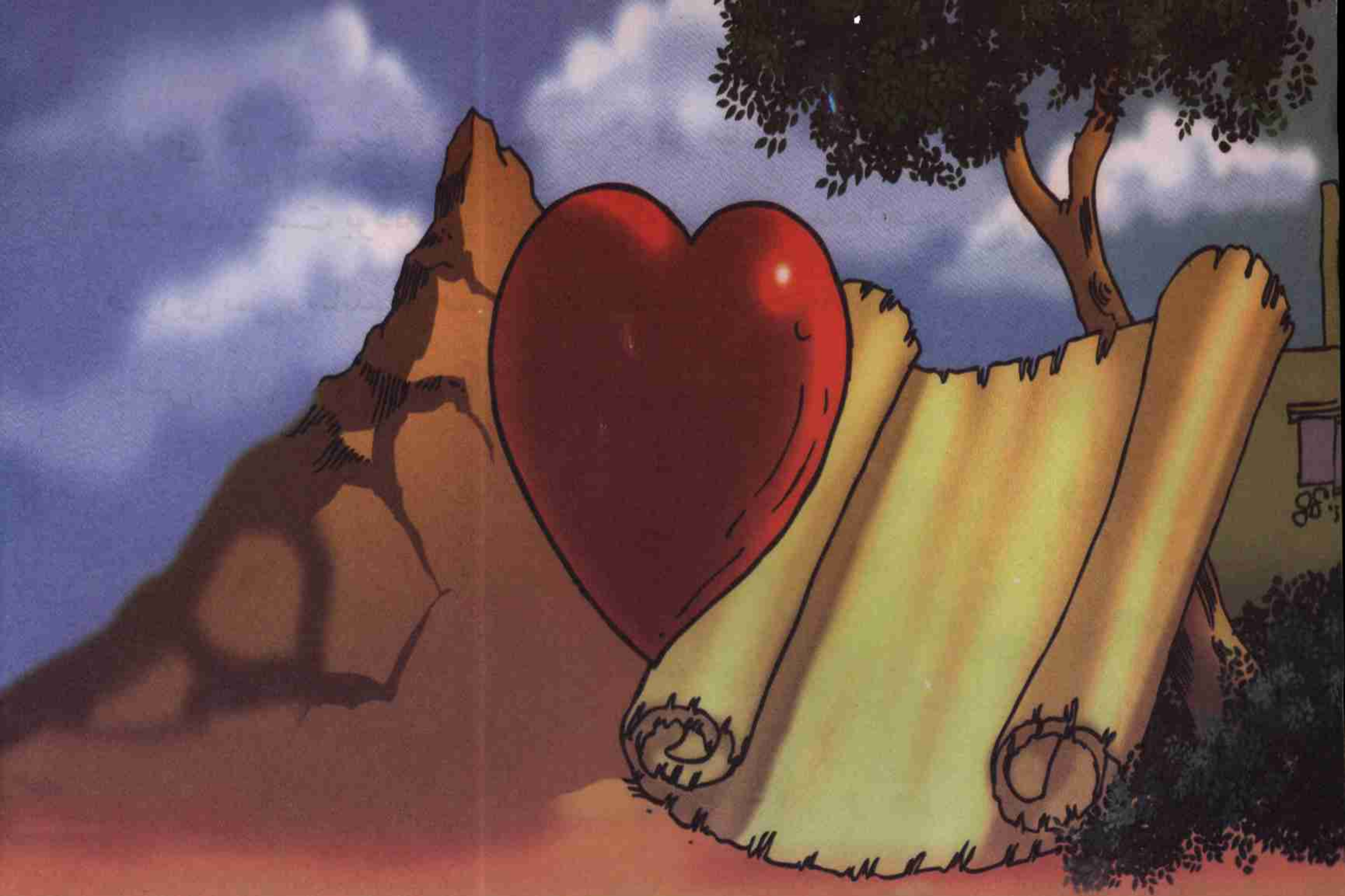
فاصله‌ی بین حضرت آدم و حضرت نوح علیهما السلام هزار سال بود.

در این مدّت مردم فقط خدا را عبادت می کردند. سپس قوم نوح علیه السلام به پرستش بُت‌ها و مجسمه‌ها روی آوردند.



مردمی که حضرت نوح علیه السلام در میان آن‌ها زندگی می‌کرد، همه بت پرست بودند. او دریافت که این مجسمه‌ها هیچ نفع و ضرری نمی‌رساند. به همین سبب، دست ساخته‌های قومش، او را راضی نمی‌کرد.





به دنبال تحقیق و جستجو بود تا این که پروردگار راه هدایت را به او نشان داد او را به عنوان نبی و رسول خود برگزید و به او دستور داد تا قوم خود را به سوی خدای یکتا دعوت دهد و آنان را از گمراهی و خطایی که در آن قرار داشتند، باز دارد.



حضرت نوح علیه السلام بسیار دوست می‌داشت تا قومش به خدای یگانه ایمان بیاورند و تنها او را پرستش کنند. نهصد و پنجاه سال طول کشید و در این مدّت، قدرت الهی را به آن‌ها یادآوری می کرد و ایشان را از عاقبت کفر، سرکشی و نافرمانی خدا برحذر می‌داشت.

امّا قومش به دعوت او توجّهی نمی کردند و انگشتان خود را به گوش خود فرو می‌بردند تا سخنان او را نفهمند. با این حال، آن حضرت از دعوت شبانه روزی خود نا امید نشد و در نهان و آشکار این کار را انجام می‌داد.



قوم نوح بر کفر و سرکشی خود پافشاری می‌کردند و به جز گروه اندکی از فقرا و ضعیفان، کسی دیگر به او ایمان نیاورد و دعوت او را با مسخره کردن پاسخ می‌دادند بعد از این که آن حضرت مطمئن شد که هیچ کس از آن‌ها به نیکی و درستکاری روی نمی‌آورند و از عبادت بت‌ها دست بر نمی‌دارند دعا کرد تا خداوند آن‌ها را عذاب دهد.



خداوند به حضرت نوح علیه السلام دستور داد تا کشتی بزرگی بسازد و از تمامی حیوانات، پرندگان و حشرات به صورت جُفت سوار کشتی کند.

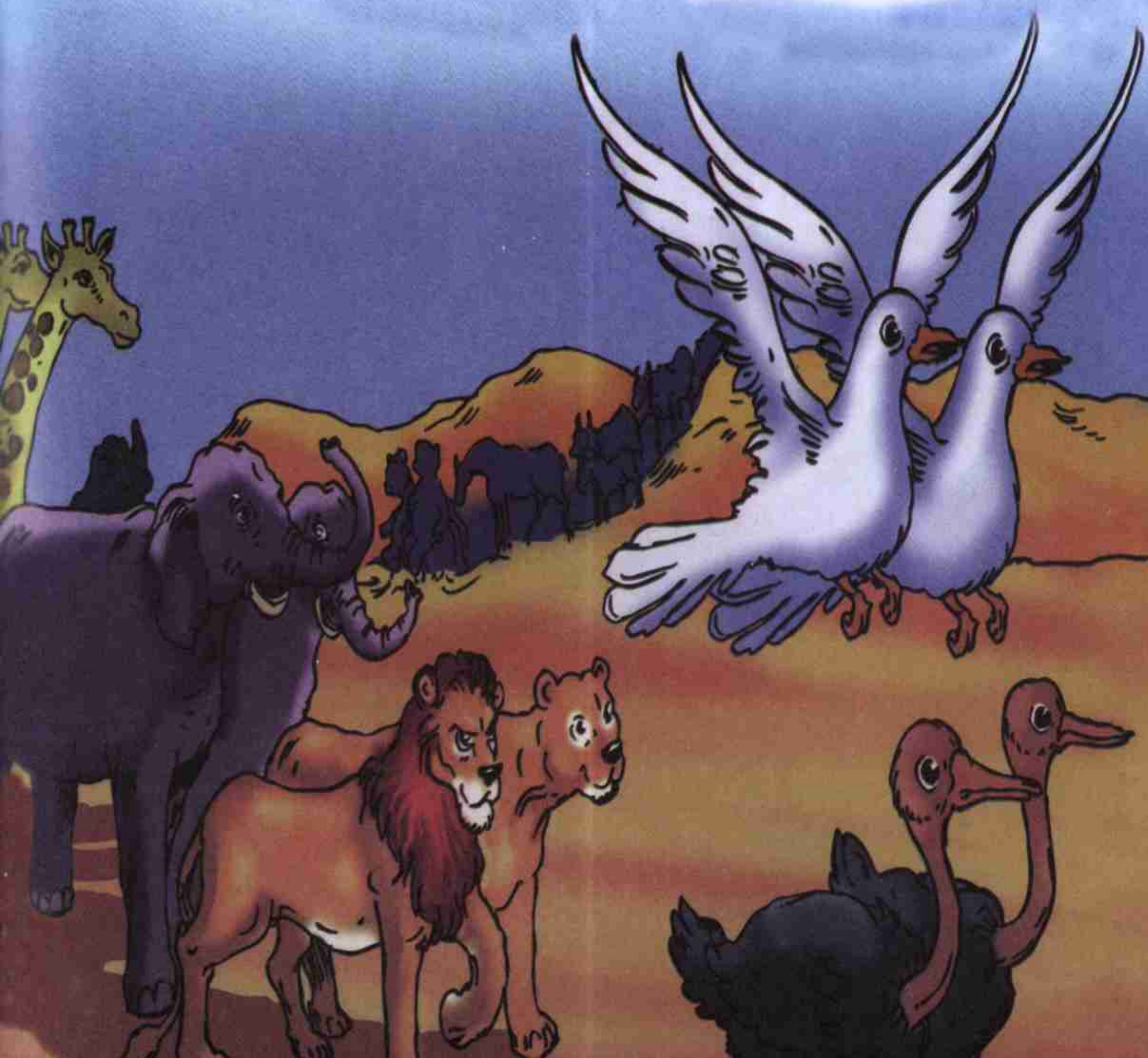
حضرت نوح علیه السلام میخ و چوب آماده کرد و مشغول ساخت کشتی شد.



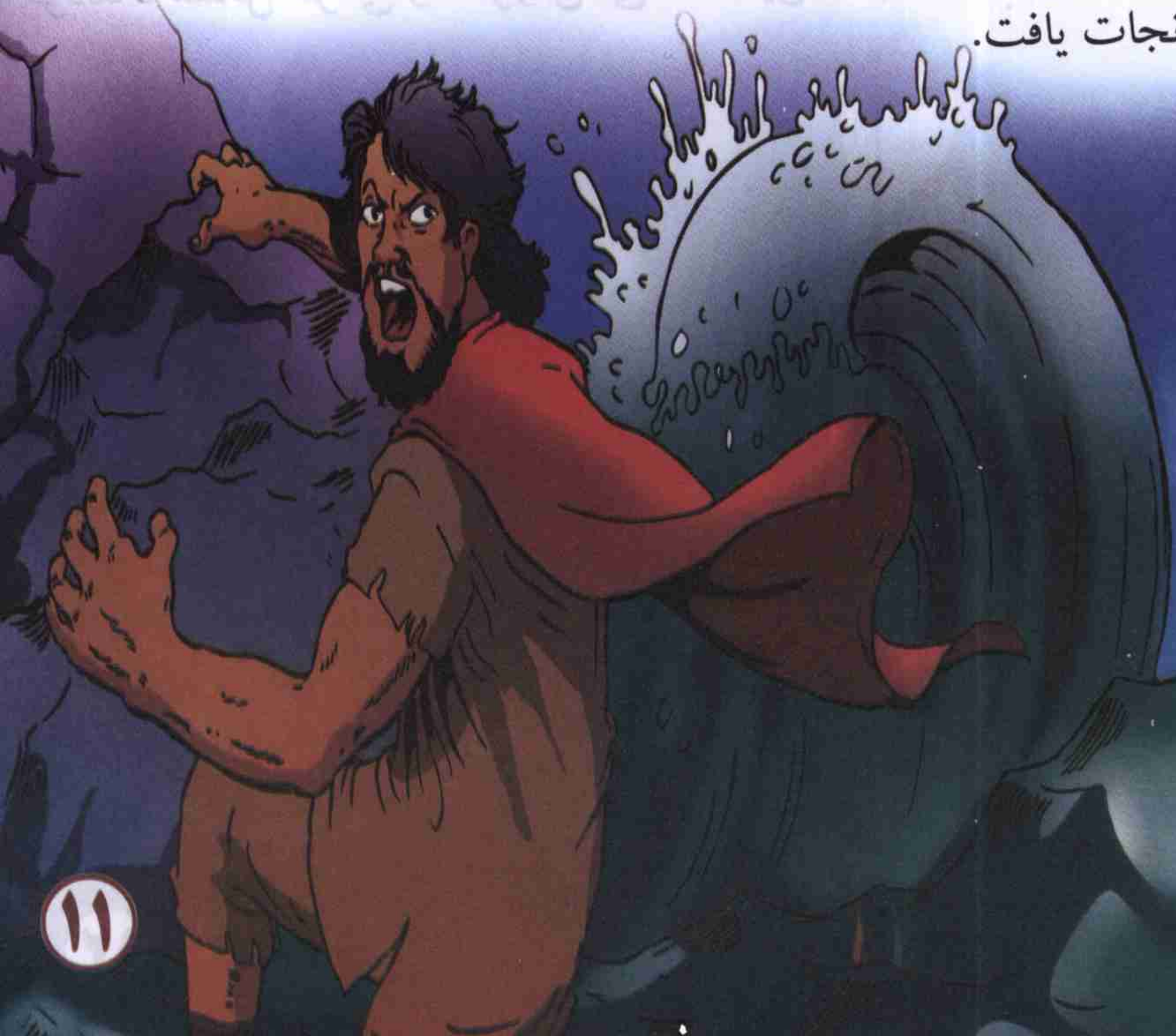
هنگامی که حضرت نوح علیه السلام کشتی را ساخت، خداوند از آسمان باران سیل آسایی را فرو ریخت، به زمین هم دستور داد تا شکافته شود و آب از دل زمین فوّاره زند. روی زمین را کلاً آب فرا گرفت. در آن موقع مردم به دنبال جایی بودند تا خود را از این مهلکه نجات دهند.



هنگامی که حضرت نوح علیه السلام طوفان را مشاهده کرد مؤمنان را سوار کشتی کرد و حیوانات، پرندگان و حشرات را نیز در قسمت هایی از کشتی جای داد.

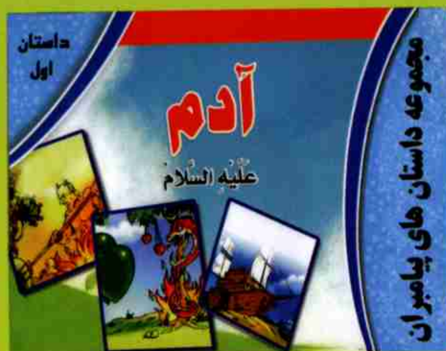


حضرت نوح علیه السلام سوار بر کشتی می‌دید که کفار دارند غرق می‌شوند و فرزند کافرش هم در مقابل امواج طوفان مقاومت می کند. در این لحظه به او گفت: بیا با ما سوار شو تا نجات یابی، امّا او نافرمانی کرد و بر کوه بلندی بالا رفت و چون به دعوت پدرش توجهی نکرد خداوند او را نیز غرق نمود، کشتی از این طوفان سهمگین نجات یافت.



هنگامی که کفّار غرق شدند، خداوند به زمین دستور داد تا آب را در خود فرو ببرد و به آسمان گفت تا از باریدن باز ایستد کشتی بر روی کوهی به نام «جُودی» قرار گرفت. حضرت نوح علیه السلام بعد از این واقعه ـ به کسانی که به او ایمان آورده بودند ـ مسائل شرعی را آموزش می‌داد تا این که به دیار حق شتافت.

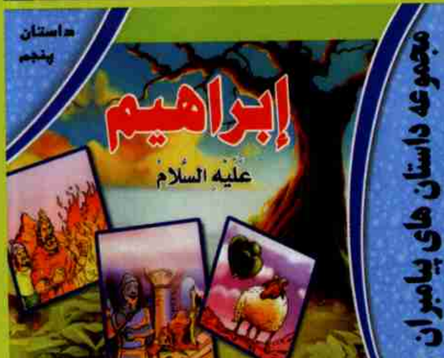
























مرکز پخش

تربت جام ـ انتشارات آوای اسلام

۰۹۱۵۵۱۸۸۳۴۲

خواف ـ کتابفروشی شمس

۰۵۳۳۴۲۲۳۴۸۰

شابک دوره: ۹۷۸ ـ ۶۰۰ ـ ۵۹۹۳ ـ ۲۳ ـ ۳
ISBN:978_600_5993_23_3